



صلح از ضرورت‌های اساسی کشور است.

ابوالحسین یاسر

رئیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

چهارشنبه ۱۶ میزان ۱۳۹۹ * ۷ October ۲۰۲۰

امضاء تفاهم نامه میان حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان و انستیتوت تخنیکي و مسلکي انتخابات



بعد از ظهر سه شنبه ۱۵ میزان سال جاری تفاهم نامه همکاری های آموزشی میان حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان و انستیتوت تخنیکي و مسلکي انتخابات، در دفتر مرکزی این حزب توسط محترم استاد ابوالحسین یاسر رئیس حزب و از جانب انستیتوت تخنیکي و مسلکي انتخابات محترمه بانو نگینه یاری رئیس اجرایی آن انستیتوت به امضاء رسید.

بر اساس این تفاهم نامه قرار است نهاد آموزشی یاد شده واجدین شرایط را که از طرف حزب معرفی میگردند را با تخفیف ۶۵٪ فیس تعیین شده برای یک دوره تحصیلی دو ساله در نظر گرفته، آموزش های مسلکی را در عرصه انتخابات تدریس نماید.

حین امضاء این تفاهم نامه محترم دیپلوم انجینیر محمد عسکر فلاح رئیس امور سیاسی حزب نیز حضور داشتند.

ریاست دارالانشاء
حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

پیام حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان بمناسبت اربعین عاشورای ۱۳۹۹



فرارسیدن اربعین حسینی را به همه ای آزادی خواهان جهان تسلیت عرض میداریم. حضرت اباعبدالله الحسین با خون مقدس شان پرده های اوهام را درید و اندیشه های مسموم شده را تکامل جدی بخشید و کاروان اسیران کربلا با زبان شان بار دیگر فریب خوردگان را نهیب زد و خواب رفتگان را بیدار ساخت. اینک با تاسی از نهضت عاشورا آلهای که در

جهان پس از شهادت قرار دارند به جامعه و مردم شان آگاهی عنایت کنند و تا برای ادای مسئولیت شان آگاهانه اقدام ورزند. مردم خواب رفته و غافل نه پیرو شهداء هستند و نه حاکم بر سرنوشت خود. مردمی خواهد بود ذلیل، خوار و زبون. سزاوار است که مردم ما با الهام از مکتب شهداء نسبت به سرنوشت شان و نسبت به مسایل جامعه و کشور شان حساس و بیدار باشند تا پیرو آرمان و اهداف شهداء محسوب شوند.

سلام برعاشورا و درود بر شهداء ریاست امور فرهنگی حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

جهان پس از شهادت قرار دارند به جامعه و مردم شان آگاهی عنایت کنند و تا برای ادای مسئولیت شان آگاهانه اقدام ورزند. مردم خواب رفته و غافل نه پیرو شهداء هستند و نه حاکم بر سرنوشت خود. مردمی خواهد بود ذلیل، خوار و زبون. سزاوار است که مردم ما با الهام از مکتب شهداء نسبت به سرنوشت شان و نسبت به مسایل جامعه و کشور شان حساس و بیدار باشند تا پیرو آرمان و اهداف شهداء محسوب شوند.

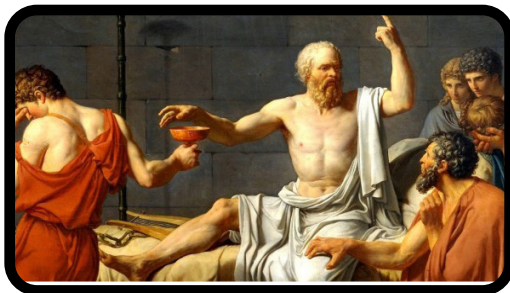
بررسی استراتژی های دو دهه اخیر آمریکا در افغانستان

زهرا محمودی



بخش سوم
۲- مذاکرات صلح آمریکا و طالبان و نتایج آن مذاکرات صلح افغانستان در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ در تابستان ۱۳۹۷ (سپتامبر ۲۰۱۸) با حضور زلمی خلیل زاد به عنوان نماینده ارشد آمریکایی و نمایندگان طالبان به صورت رسمی آغاز شد و در فوریه ۲۰۲۰ توافق نامه صلح میان طرفین به امضاء رسید. در مراحل و دوره های آغازین مذاکرات آمریکا و طالبان گفته می شد که طالبان به لزوم تعیین جدول زمانی خروج نیروهای خارجی از افغانستان اصرار داشت، اما آمریکا نخست، خواستار آغاز مذاکرات بین الافغانی و برقراری آتش بس در افغانستان بود. هم زمان با برگزاری دور نهم گفتگوهای آمریکا و طالبان در دوحه در اواخر مرداد و اوایل شهریور ۱۳۹۸، خبر توافق نمایندگان مذکور در خصوص ایجاد حکومت موقت برای یک دوره ۱۴ ماهه در افغانستان و تعویق برگزاری انتخابات ریاست جمهوری این کشور منتشر شد. اما با وقوع انفجار در نزدیکی سفارت آمریکا در کابل توسط طالبان و کشته شدن یک آمریکایی، ترامپ خبر خاتمه مذاکرات صلح را رسانه ای نمود. مذاکرات پس از سفر ترامپ به افغانستان در آذر ماه ۱۳۹۸ مجدداً از سر گرفته شد اما در آذر ماه، به دلیل حمله طالبان به یک مرکز بهداشت نزدیک پایگاه هوایی آمریکا در بگرام مذاکرات بار دیگر متوقف گردید. مذاکرات صلح در اواخر دی ۱۳۹۸ پس از نظر موافق طالبان برای کاهش خشونت ها از سر گرفته شد و نهایتاً در ماه اسفند سندی با عنوان «موافقتنامه رسیدن به صلح در افغانستان» میان آمریکا و امارت اسلامی در فوریه ۲۰۲۰ امضاء گردید که البته بلافاصله پس از طرح عنوان امارت اسلامی، آمریکا گفت که «امارت اسلامی» را به عنوان دولت به رسمیت نمی شناسد بلکه «گروه طالبان» را به رسمیت می شناسد.

سقراط چگونه شهروندی بود؟



نویسنده: جوزا اور
ترجمه: وب سایت ترجمان

مستعجب سرکوب عقاید مخالف است یا اینکه مخالفان دموکراسی باید خیانت کاران صاحب نفوذ شمرده شوند، در این صورت، ما با انتخابی ناخوشایند بین دموکراسی و آزادی اندیشه روبه رو هستیم. اما این برداشتی نادرست از محاکمه سقراط است. در عوض، این محاکمه به پرسش هایی درباره تعهد و وظیفه شهروندی پاسخ می دهد. «دادگاه مردم» سقراط را محکوم کرد، زیرا او نپذیرفت که معیار مسئولیت شخصی در قبال پیامدهای سخنانی عمومی، درباره پروژه فلسفی او صادق است. سقراط حکم گناهکاری خویش را به عنوان حکمی الزام آور پذیرفت و جام شوکران را نوشید، زیرا او به صلاحیت دادگاه و قوانین محاکمه اذعان داشت. او در حالی به این امر سر نهاد که باور داشت هیئت منصفه در تفسیر قانون مرتکب اشتباهی اساسی شده است.

طبق فهم متعارف، اتهام بی دینی به سقراط صرفاً سرپوش بود و انگیزه محاکمه وی نیز مسائل سیاسی بود. تنها چهار سال پیش، شورشی دموکراتیک موجب سرنوشتی «حکومت نظامیان» شده بود که چندین ماه پراشوب بر آتن حاکم بودند. ملتوس، در سخنانی کفرخواست خود در دادگاه، احتمالاً از شهروندان آتنی خواسته بود تا بر پیوند بلندمدت سقراط با اعضای این حکومت ضد دموکراتیک و تبهکار تمرکز کنند.

آی اف استون، روزنامه نگار و ادیب آمریکایی، در کتاب خود محاکمه سقراط (۱۹۸۸) تفسیری ری...
ادامه ص ۲

بخش نخست
حدود ۲۴۰۰ سال پیش، در ۳۹۹ ق.م، سقراط در آتن محاکمه شد. اتهام او بی دینی بود و محاکمه در «دادگاه مردم» برگزار شد. سقراط هفتادساله، سالیان دراز، فیلسوفی سرشناس و متفکری مشهور در میان مردم بود. ملتوس، به عنوان شاکی، سقراط را متهم کرد که قوانین آتن را زیر پا گذاشته است، زیرا به خدایان رسمی احترام نمی گذارد، خدایان جدیدی معرفی می کند و ذهن جوانان را منحرف می سازد. ملتوس، به عنوان مدعی، و سقراط، به عنوان متهم، در برابر هیئت منصفه ای شامل ۵۰۱ نفر از همشهری های خود، در مدت زمانی مشخص سخنان خود را ایراد کردند. سخنانی کفرخواست ملتوس بر جای مانده است، اما دو نسخه از سخنانی سقراط در دفاع از خود به دست ما رسیده است: نسخه ای در آثار افلاطون و دیگری در آثار فردی همه چیزدان و زیرک به نام گزنفون موجود است. اکثر اعضای هیئت منصفه، حدود ۲۸۰ نفر، سقراط را گناهکار دانستند و او با زهر شوکران اعدام شد.

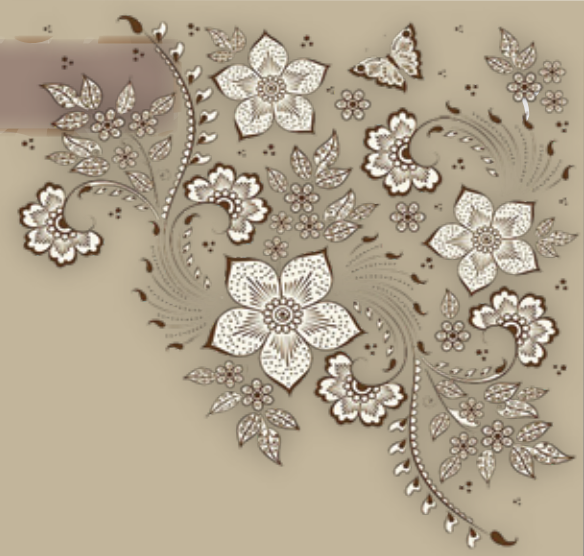
هیچ مناقشه ای بر سر وقایع اصلی در محاکمه سقراط وجود ندارد، اما به خوبی روشن نیست که چرا آتنی ها سقراط را گناهکار تشخیص دادند و ما امروز چه برداشتی می توانیم از این کار داشته باشیم. کسانی که به دموکراسی و حاکمیت قانون باور دارند لابد بسیار به این محاکمه علاقه مند هستند. اگر نتیجه گیری آن باشد که دموکراسی، به عنوان حکومت مستقیم مردم بر خود، به طور مرگباری



از شاه بزرگ تاریخی تا
شاه بزرگ
استراتژیک امریکا
مهرداد شید

بیست سال جنگ آمریکا در افغانستان با توجه به عقب گرد و سازش هایش با طالبان در توافقنامه دوحه و بویژه این که ترامپ طالبان را زرنگ و باهوش خواند و آنان را از جمله مردانی خطاب کرد که ارزش مذاکرات را دارند، به اثبات رساند که حمله آمریکا به افغانستان به هر اهدافی که صورت گرفته بود، بزرگ ترین اشتباه تاریخی برای رهبران این کشور به حساب می رود. چنان که ترامپ رئیس جمهور امریکا طی سخنانی طالبان را سرسخت و زیرک خواند و افزود که آنان با طالبان بحث های خوبی دارند که همگانی شده اند. وی افزود که امریکا به زودی شمار سربازانش در افغانستان را به کمتر از چهار هزار خواهد رساند. او به ادامه گفت: «اگر آنان بدانند که چیزهای مشخصی انجام شده اند، از آنجا بیرون خواهند شد و چیزهایی مشخصی باید انجام شوند». وی از تعامل بسیار خوب با طالبان سخن گفت و اضافه کرد که طالبان انصافاً از جنگ خسته شده اند و افزود که بگذارید افغان ها خود شان کار پولیس را به پیش ببرند. این سخنان ترامپ نه تنها گواه آشکار بر خستگی و ندامت امریکا از جنگ افغانستان؛ بل معنای اعتراف کاخ سفید به شکست حمله و حضور نظامی اش در افغانستان را دارد.

با تاسف آمریکایی ها در بعد به این اشتباه خود متوجه شدند و ای کاش سال ها قبل به این ملتفت می شدند که حضور شان در افغانستان بالاخره به بی سرانجامی های کنونی می انجامد. ای کاش امریکا بیست سال پیش از امروز مرتکب چنین اشتباهی تاریخی نمی شد. اشتباه تاریخی به این مفهوم که مقام های ارشد و رهبران امریکا از تاریخ، فرهنگ و ویژگی های مردم افغانستان آگاهی نداشتند و به گونه شتاب زده و بی توجه ...
ادامه ص ۳



گاش

گاش میشد زندگی را تا ایند گاش زده

جای هر نامهربانی، محرابانی گشت کرد

گاش جای نثرت و بی محری و دلتنگیها

چون گپوترهای طاشق سوی هم لبخند زد

گاش شرق تا جگ و پشتون و ازبک ها نبود

گاش دنیا ره په مثل گودگان تمپیر کرد

گاش هرگز نثر و درهم پیچی و نثرت نبود

جای شان لبخند های گودگان تقسیم کرد

گاش دنیا جای از خوده گاشی اثرات نبود

موض آن، گویچه و بازار پر از لبخند بود مرسل احمدی

قرار دادن زبان درسی فارسی زیر عنوان زبان های خارجی

ماوه شانزدهم قانون اساسی افغانستان با صراحت تام از رسمی بودن زبان های (پشتو و دری) در کشور آگاه می سازد. در این وثیقه ملی چنین آمده است: «از جمله زبان های پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشتو، نی، نورستانی، پامیری و سایر زبان های رایج در کشور، پشتو و دری، زبان های رسمی دولت می باشند. در مناطق که اکثریت مردم به یکی از زبان های ازبکی، ترکمنی، پشتو، نی، نورستانی، بلوچی، ویپامیری محکم می نماید. آن زبان ها علاوه بر پشتو و دری به جیش زبان بوم رسمی می باشد. و نحوه تطبیق آن توسط قانون تنظیم می گردد. دولت برای تقویت و انکشاف همه زبان های افغانستان پروگرام های موثر طرح و تطبیق می نماید.»

باتأهف علی رغم صراحت و تکلیف مفاد ماده شانزدهم، قانون اساسی کشور، زبان دری فارسی در فورم جدید شناسنامه های الکترونیکی افغانستان که روی وبسایت اداره ملی احصایه و معلومات گذاشته شده است زیر عنوان آشنایی با زبان های خارجی از فارسی ادبی و تاریخی به عنوان دو زبان جداگانه و خارجی نام برده شده است. این مساله سبب شد تا بخش بزرگ از مردم دری زبان، نهاد های جامعه مدنی، وکلای مردم دولتی جرکه رسانه و کاربران شبکه های اجتماعی واکنش خود را تواتر با نفرت و اثر جار ابراز نمودند. بعید بنظر نمی آید که این عمل مذموم نا، نشودنی از بهر خطا، اشتباه و سوء تفاهم صورت گرفته باشد بلکه باور ما دست های پیدا و پنهان دشمنان مردم و بهر زمین رنجورمان در پشت این پدیده شوم به کار افتاده است. این عمل زشت تفرقه افکن در حالی آفریده می شود که افغانستان در وضعیت بسیار بسیار حساس و آسیب پذیر قرار دارد و نمی تواند بی ربط با قضایای سیاسی و اجتماعی روان در کشور باشد.

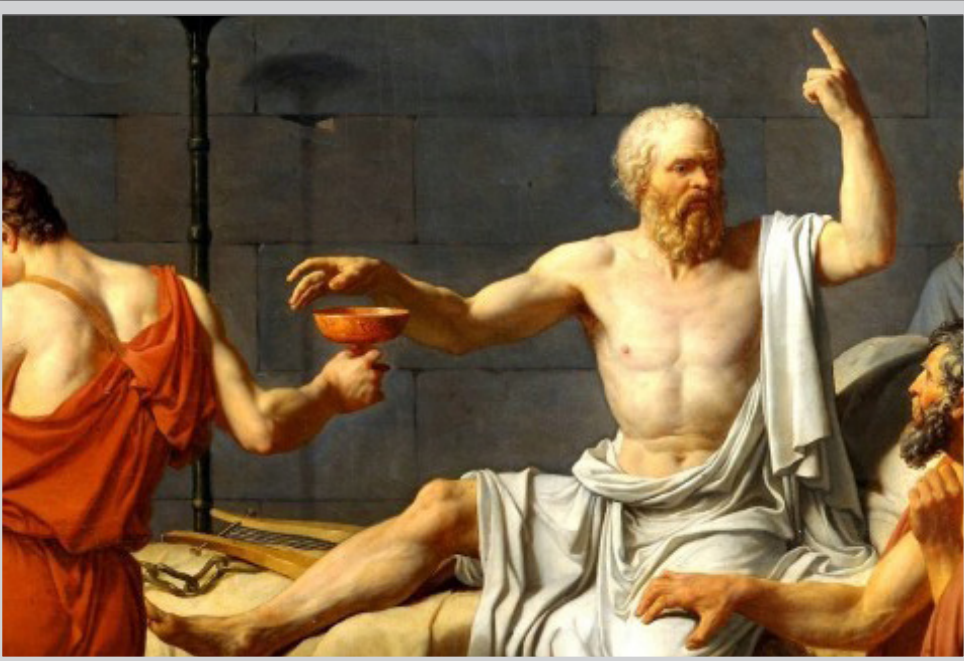
تجارب و رویدادهای تاریخی بویژه تاریخ معاصرمان گواه بر این است که هر از گاهی بدخوئان وطن مان از ورای مرزها، دیاری و همدستی یک اتحاد نامقدس با جریان های همبوی خود در داخل افغانستان، از بهر تعصب و تمایت خواهی در پی نفی و حتی حذف دیگر اقوام و دیگر اندیشان بر آمده اند و گاهی با تشدید تفاوت های قومی و زمانی با هدف گیری باور های مذهبی و اکنون با آماج قرار دادن تفاوت زبانی، در صدو تحریب پای های هر چند بی عمق و لبرزان وحدت ملی هستند، تا «از آب گل آلود ماهی مراد شکار نمایند.» این حرکت خزنده نامرئی که تقیماً بر ضد منافع ملی باشد نه تنها با هم برادر این بهر زمین طراحان گردیده و به مرحله اجرائی رسیده است، در مذاکرات صلح افغانستان با بنای قرار دادن عمل اختلافات بر بنیاد مذہب حنثی و توافقنامه صلح میان آمریکا و طالبان و اکنون با دامن زدن به اختلافات زبانی به خوبی قابل رویت می باشد.

به باور ما اگر جلوه همچو جرکات، به موقع از سوی حکومت و فشار افکار عمومی گرفته نشود، می تواند امنیت ملی و شیرازه باجنت های اجتماعی ما را در معرض چالشهای بدتر که با آن ها درگیر هستیم قرار دهد و دامنه جنگ و نا امنی را بیشتر ازین وسعت بخشد.

حرکت اسلامی متحد افغانستان ضمن محکوم کردن این توطئه آشکار بر آن است تا عاملان و کارکنان آن حرکت و در مقام که قرار دارد از سوی حکومت بویژه نهاد های عدلی و قضایی کشور زیر باز پرس جدی و محاکمه قرار گیرند تا باشد که ضریب اعتماد از دست رفته میان حکومت و مردم به حد قابل کاهش پیدا کند.

سقراط چگونه شهروندی بود؟

تأثیرگذار از این رخداد ارائه می دهد. از دیدگاه او، این محاکمه در حقیقت دفاع یک دموکراسی در مانده از خود بود. از دیدگاه استون، سقراط در توجیه برنامه وحشیانه حاکمان برای استفاده نادرست از قدرت نقش داشت و خیانت کار بود. در دیدگاه متعارف، سقراط را قربانی دادستانی فرصت طلب و شهروندانی با جهالت عامدانه می دانند. در حقیقت، برای فهم محاکمه سقراط به ناگزیر باید به سیاست نگاه کرد، اما به شیوه ای سنجیده تر. نگاه به سقراط، به عنوان الگوی بارز فرد خودمختار، صرفاً به عنوان شهید راه آزادی بیان، نادرست است.



برای فهم این محاکمه باید به فرهنگ سیاسی آتن و به طور ویژه به تعهدات شهروندی مورد انتظار از شهروندان آتنی توجه کرد. تعهدات خود سقراط به شهرش بر جریان محاکمه تأثیر گذاشت و این تعهدات بخش های اصلی فرهنگ سیاسی آتن بودند که رابطه بین سخنرانی عمومی و مسئولیت را شکل می دادند. در واقع، ماکسیموس صوری، نویسنده رومی در قرن دوم میلادی، در بازگویی این محاکمه، ادعا می کند که سقراط از پاسخ به اتهامات ملتوس خودداری ورزید و سراسر سکوتی موقرانه اختیار کرد. طبق فهم متعارف، اتهام بی دینی به سقراط صرفاً سرپوش بود و انگیزه محاکمه وی نیز مسائل سیاسی بود. در واقع، مخالفانی که در پی انکار اعتبار یک نظام سیاسی هستند هرازگاهی از شرکت در جلسه دادگاه یا همکاری با نظام حقوقی به طور اصولی سر باز زده اند. اما سقراط صلاحیت دادگاه را به رسمیت شناخت. او فعالیت به دفاع از خویش پرداخت، هر چند از بسیاری جهات، این دفاع برخاسته از ویژگی های شخصی او بود.

نکته مهم آن است که سقراط مشروعیت محاکمه را به چالش نمی کشد. او از بیرون درباره یک نظام سیاسی فاسد داوری نمی کند، بلکه به عنوان یک شهروند در محاکمه مشارکت می کند. به عنوان یک شهروند، وظیفه شهروندی وی او را وامی دارد تا به این اتهامات پاسخ دهد: چرا به شیوه هایی عمل کرده که برای جامعه زیان بار بوده است؟ نسخه افلاطون از دفاعیه به روشنی نشان می دهد که سقراط می کوشد تا خود را تبرئه کند، تا نشان دهد که او به جامعه زیان نرسانده است. در واقع، سقراط خود را خیرخواه شهروندان بازمی نمایاند که باید پاداش هم بگیرد. به باور او، تاریخچه کمک های او به زندگی شهروندی در آتن وی را شایسته این افتخار می سازد که در مرکز حکومت به او وعده های غذای مجانی داده شود. بسیاری از رساله های افلاطون تعهدات سقراط شهروند را اثبات می کند و فرهنگ سیاسی آتن را به روشنی به تصویر می کشد. در رساله کریتون، سقراط توضیح می دهد که، با وجود محکومیت خود، گریختن او از زندان از نظر اخلاقی پذیرفتنی نیست. در رساله کریتون، افلاطون به خوانندگان گفت وگویی ارائه می دهد

قوانین آتن، در رساله افلاطون، صرفاً قوانین رسمی و مکتوب دولت آتن نیستند، بلکه اصول مدنی آن را نیز شامل می شوند. قوانین از سقراط غیرواقعی و نافرمان می پرسند که او چه کمبودی در آن ها یافته و چه زمانی آن کمبود را کشف کرده است. قوانین به سقراط گوشزد می کنند که او از طریق آن ها (قوانین مربوط به ازدواج) به دنیا آمده است. قوانین اظهار می کنند که، از طریق اصول مربوط به مسئولیت والدین در قبال فرزندان خود، او را پرورش داده اند. سرانجام، او از طریق آن ها دانش آموخته است. سقراط تمام این ها را می پذیرد. او مشتاقانه این خوبی ها را می پذیرد و آن ها را به عنوان «خوبی» به رسمیت می شناسد. اگر او این چنین نمره های قوانین را پذیرفته است، اکنون سقراط بر چه مبنایی می تواند روی خود را برگرداند و مشروعیت آن ها را انکار کند؟ قوانین آتن همچنین اشاره می کنند که سقراط می توانسته است آتن را ترک کند و به مکانی دیگر در سرزمین های یونان برود. او آزاد بوده است که این کار را بکند. اما قوانین اظهار می کنند که، از آنجاکه او ماندن را برگزیده، دوباره درستی آن ها را به رسمیت شناخته است. قوانین به سقراط یادآوری می کنند که خود محاکمه به شیوه ای درست اجرا شده است، مطابق با همان اصولی که سقراط با تداوم حضور خود تأییدشان کرده است.

ادامه دارد



بررسی استراتژی‌های دودهم اخیر آمریکا در افغانستان

زهر محمودی



دوری کرده و رویکرد سیاسی را بیشتر مورد توجه قرار دهند. البته این تغییر رویکرد، باعث کاهش نقش و اهمیت استراتژیک افغانستان برای آمریکا نمی‌شود، بلکه ابزار دست‌یابی آمریکا به اهدافش تغییر می‌کند.

۲-۳ خروج نیروهای آمریکا از افغانستان:

دونالد ترامپ در دوران رقابت‌های انتخاباتی سال ۲۰۱۶ بر لزوم خروج نیروهای آمریکا از افغانستان تأکید داشت. زمانی که وارد کاخ سفید شد، با علم به اینکه امکان شکست قطعی طالبان در جنگ وجود ندارد، در نهایت، دستور مذاکرات رسمی با طالبان را صادر کرد تا آنها را وارد یک فرآیند سیاسی کند و از این مسئله به عنوان دستاورد دولت خود در افغانستان نام ببرد. او قول داده است موضوع افغانستان را حل و نیروهای آمریکا را از افغانستان خارج کند. این یک امتیاز برای انتخابات سال ۲۰۲۰ محسوب می‌شود و جایگاه ویژه‌ای هم در عرصه داخلی آمریکا دارد.

۳- تثبیت حضور بلندمدت آمریکا در افغانستان

دیگر استراتژی مدنظر آمریکا در گفتگوهای صلح با طالبان ادامه حضور آمریکا در افغانستان است. حتی اگر طالبان در آینده در حکومت افغانستان سهم و شریک شود و حتی اگر حکومت را به طور کامل قبضه کند، آمریکایی‌ها باید بتوانند حضور خود را در افغانستان حفظ کنند. آمریکا در پی طرح جدیدی است تا ضمن کاهش نیروها و هزینه‌های خود در افغانستان، اهداف کلان خود در این منطقه را نیز دنبال کند. لذا در صورت تحقق این روند، ماهیت حضور آمریکا در افغانستان از نظامی به اطلاعاتی - امنیتی تغییر خواهد یافت. ۳-۴ مدیریت رابطه طالبان با چین، روسیه و ایران در جهت عدم تضعیف منافع آمریکا در افغانستان و لزوم توجه و تأمین منافع آمریکا در روند مذاکرات بین‌المللی از دیگر استراتژی‌های واشنگتن در جریان گفتگوها با طالبان می‌باشد.

ادامه دارد

از اشتباه بزرگ تادمخی تا اشتباه بزرگ

استراتژیک آمریکا

مهرداد شید

عواقب ناگوار آن قصد حمله و ماندن در افغانستان را کردند. بی آنکه آنان بدانند چنگیز با همان قوت وحشی و غارتگر خود پس از پنج سال و انگلیس با همان نیروی خود در سه جنگ پس از کمتر از پنج سال و به همین گونه ارتش شوروی بعد از کمتر از ده سال پس از درگیری‌های پیهم افغانستان را ترک کردند. این حمله نشان داد که آمریکا نه تنها از شکست هایش در کشور های جنوب آسیا در لائوس، کامبوج و بویژه ویتنام درس نگرفته بود که از شکست افتضاح بار شوروی پیشین هم چیزی نیاموخته بود. هرگاه آمریکایی‌ها شناخت کافی در مورد تاریخ و فرهنگ این کشور می‌داشتند، هرگز دست به این حمله نمی‌زدند و حساسیت‌های مردم افغانستان را در بستر این جنگ درک کرده می‌توانستند. با توجه به حساسیت مردم افغانستان در برابر نیرو های خارجی بود و است که بسیاری رهبران جهادی و حتی سیاسی افغانستان از گذشته‌ها بدین سو با حضور نیرو های خارجی مخالف بودند و هستند. چنانکه احمد شاه مسعود قربانی این خواست شد. آمریکایی‌ها با توجه به شناختی که با مسعود داشتند، دریافته بودند که مسعود هیچ گاهی با حضور خارجی‌ها در افغانستان موافقت نمی‌کند و از همین رو بود که شکار تروریستان شد. نه تنها مسعود؛ بل سایر رهبران جهادی از جمله حکمتیار و استاد ربانی نیز مخالف حضور آمریکایی‌ها بود و حضور آنان را خطری به امنیت و ثبات افغانستان می‌خواند. چنانکه روزی در یک صحبت شخصی حضور نیروهای خارجی در افغانستان شبیه حضور القاعده خواند و از خطر آن هشدار داد. با آموختن از آن درس‌ها امروز مقام‌های پیشین و پسین کاخ سفید این چنین بی‌هودگی سیاسی نمی‌کردند و با اتهام بستن و مقصر خواندن یکدیگر به بهانه فرار از مسئولیت‌پذیری به انتقاد از یکدیگر خود نمی‌پرداختند. در این شکی نیست که کاخ سفید به نحوی قربانی معامله‌های کلان مواد مخدر نظامیان خود شده باشد. حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان منبع سرشار عایداتی از ناحیه قاچاق هروئین برای نظامیان آن بود و اما این به نوبه خود لطمه بر حیثیت آمریکا زد و رویکرد و وجهه مبارزه با تروریسم آمریکا را به کشور قاچاق مواد مخدر تقلیل داد. چنانکه سازمان ملل در گزارشی اعلان کرد که «نظامیان آمریکا دهقانان هلمند را برای افزایش کشت تریاک تشویق می‌کردند تا بازار قاچاق هیروئین شان پر رونق بماند». یکی از دلایل ناکامی آمریکا در افغانستان در همین نکته نهفته است.

ادامه دارد

قرار شد مذاکرات بین افغان‌ها نیز در تاریخ ۱۰ مارس آغاز شود. بر اساس سند امضاء شده میان نمایندگان طالبان و آمریکا، واشنگتن متعهد می‌شود که: ۱- تمام عملیات‌های نظامی علیه طالبان را متوقف نماید. ۲- همه نیروهای آمریکایی و بین‌المللی حاضر در خاک افغانستان از این کشور خارج شده و پایگاه‌های آن‌ها ظرف چهارده ماه تخلیه شود. ۳- همه تحریم‌ها علیه طالبان ظرف شش ماه آینده برداشته شود. ۴- آمریکا تلاش می‌کند که دولت کابل حدود پنج هزار اسیر طالب را از زندان آزاد کند. البته این تعهدات مشروط به این است که طالبان نیز به تعهدات خود از قبیل: ۱- کاهش سطح خشونت در افغانستان به مدت یک هفته، ۲- توقف عملیات نظامی علیه نیروهای آمریکایی و خارجی، ۳- شروع مذاکرات با سایر افغان‌ها ظرف ده روز برای آتش‌بس و صلح، ۴- جلوگیری از استفاده گروه‌های مسلح تروریستی از خاک افغانستان تهدید منافع آمریکا و متحدان او عمل نماید.

۳- اهداف آمریکا در مذاکرات صلح افغانستان

اهم اهداف آمریکا در مذاکرات صلح با طالبان شامل مواد زیر می‌شود:

۱-۳ توجه به رویکرد سیاسی به جای رویکرد نظامی

فرسایشی شدن جنگ افغانستان، افزایش تعداد سربازان آمریکایی کشته یا مجروح شده در جنگ افغانستان، هزینه‌های هنگفت مالی صرف شده در این کشور، وجود مشکلات ساختاری در افغانستان، شکست در پروژه دولت - ملت سازی در افغانستان، عدم توان آمریکا در شکست قطعی طالبان، بهره‌مندی و به اصطلاح سواری رایگان همسایگان افغانستان (که بعضاً رقیب و دشمن آمریکا نیز محسوب می‌شوند) از شرایط افغانستان اما به هزینه دادن آمریکا، لزوم مهار قدرت و نفوذ رو به افزایش چین و ... باعث شده است بسیاری از تحلیل‌گران آمریکایی به این نتیجه برسند که سیاستمداران کاخ سفید بایستی در خصوص نحوه حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان تجدیدنظر کنند و از رویکرد صرفاً نظامی در جنگ افغانستان

زندگی نامه شهید الحاج محمد کاظم الله یار

شهید الحاج محمد کاظم "الله یار" از فرماندهان پایگاه ۲۳ جتو ولایت غزنی بود، بعد از کودتای تکلیف کونیتی ثوروی سال ۱۳۵۷ به عضویت



حرکت اسلامی افغانستان شامل و تعلیمات نظامی را با جمع دیگر از مجاهدین فرا گرفت. در جهات جهاد و مبارزه فعالیت های گسترده داشت. شهید الحاج "الله یار" علاوه بر حضور در جهات جهاد در بیمار جبالس و محافل جهادی و تقسیم گیری های جهادی در داخل کشور شکرک داشت و بخاطر تقویت نیز مالی جبهه و انتقال مهمات از ایران و پاکستان اکبر مسافرت های طولانی را انجام میداد و پایگاه ۲۳ جتو غزنی را تقویت

و یاری می رساند و با پیروزی جهاد ملت بزرگ و فداکار و ایثارگر افغانستان الحاج شهید "الله یار" به جیش معاون ولایت غزنی مصروف خدمت گردید و در مدت معاونت ولایت غزنی برای ملت مسلمان افغانستان مخصوصاً برادران جهادی خدمات شایانی را انجام داد و خدمات و فعالیت های مردمی شهید الحاج "الله یار" دشمنان ایشان را خسته نموده و باعث انتقام گیری خانین از جمله طالبان از خرابی نجر گردیده در سال ۱۳۸۹ زمانیکه در شهر غزنی به سوی دفتر کارش خویش حرکت میکرد و بویله کرده فاسد و جنایت کار بود و حمله قرار گرفته و به شهادت رسید.

روحش شاد و یادش گرامی باد

تغییر چیست؟

محمد صفا فرزه بی

تغییر یعنی رفتن از یک حالت به حالت دیگر و هدف ما همان رشد و تکامل است.

آیا انسان قابل تغییر است؟

بلی....!

انسان اگر قابل تغییر نمی بود، خداوند متعال برای ما پیامبر نمی فرستاد.

انسان آزاد است و به همین خاطر می تواند خود را تغییر دهد.

به همین خاطر در آخرت از ما سؤال و جواب می شود، چون ما حق آزادی را داشتیم و محکوم به سرنوشت جبری نبوده ایم.

دلیل دیگری برای آزادی این است که ما در یک وقت چندین انتخاب داریم که چند کار را انتخاب کنیم. این آزادی اگر نمی بود ما باید محکوم به انجام یک کار می بودیم.

چنان که مولانای بزرگ می فرماید:

این که گویی این کنم یا آن کنم

خود دلیل اختیار است ای صنم

دلیل دیگر برای تغییر این است که افراد گرد و بر ما تغییر کرده

مثلاً: انسان بدی بوده و خوب شده و یا خوب بوده بد شده پس ما هم می توانیم تغییر کنیم.

پس می بینیم که انسان قابل تغییر است و می تواند تغییر کند.

ما زمانی که کودک می باشیم به تابلوی سفیدی می مانیم که پدر و مادر و دیگران نقش یک نقاش را بازی می کنند و هر کسی به نوبه خود قسمتی را نقاشی می کند. اگر ایشان نقاشی بلد اند و دید مثبت دارند در این تابلو تصویر قشنگی را رسم می کنند؛ اما اگر بلد نیستند و

دید مثبتی ندارند تصویر بد و ناپسندی را رسم می کنند.

اگر این تابلو درست نیست، با تمام بی رحمی ریگمال را گرفته و این تصویر را پاک باید کنیم و تابلویی به میل خود نقاشی کنیم.

پس پیام کلی این مقاله این است که بیاید از امروز برای تغییر خود دست بکار شویم و از خود موجود بهتری بسازیم.

مذاکرات صلح هیئت افغانهتان با گروه طالبان و عوامل تضعیف کننده روند گفتگوهای صلح

انجنیر محمد عسکر فلاح

پیش زمینه های گفتگو های صلح هیئت افغانستان و گروه طالبان که از طریق گروه تماس دو جانبه روی آجندای مذاکرات و چگونگی صلح از مدت دو هفته بدینسو در قطر ادامه دارد با رویکرد و مطالب اختلافی و بن بست های که می تواند برای ادامه گفتگو ها چالش آفرین و مایوس کننده باشد در محراق توجه قرار دارد .

نوع نگرش دو تیم از مذاکره متفاوت بوده گروه طالبان بر محوریت تفکر رادیکالی افراطی دینی و تیم دولت بر محوریت دموکراسی طلبی غربی میخوانند وارد فاز مذکره شوند که فرایند چنین نگرش ها جز بن بست کشاندن مذاکره چیزی دیگری نخواهد بود.

ملت خسته از جنگ افغانستان صلح میخواهد، صلح با عزت که در آن غرور، عزت و دستاورد های سالیان پسین بر محوریت جمهوریت و دموکراسی تبلور یابد.

برای رسیدن به یک صلح پایدار و با ثبات نیاز به بینش و تفکر گذشت بر مبناء خواست اکثریت مردم افغانستان است با چنین نگرش و رویکرد مصالحه می توان از اصطکاک ها و تنش ها جلوگیری نمود و قرائت های مبتنی بر منافع علیای کشور و مردم درد دیده افغانستان را در زوایای مشکل آفرین مذاکره ارجحیت دارد.

قرائت های مبتنی بر منافع علیای وطن می تواند بر محوریت وحدت، نظام با همی، اعتدال گرائی دینی، نفی ظلم و ستم گری، حقوق شهروندی، جایگاه حقوق زن در اسلام، زیست با همی اقوام برادر افغانستان، افتخارات دفاع مقدس از کشور در پی تهاجمات مسلحانه استعمارگران غربی و شرقی، اندیشه های دین مدارای اکثریت مردم افغانستان و صدها واژه ارزشی که مورد تائید اکثریت مردم افغانستان است تعریف گردد.

هر گونه ابراز نظر شک بر انگیز در حاشیه های خبری مذاکرات می تواند پروسه صلح را به مخاطره اندازد. لذا لازم است عینک قضاوت را بر بزرگ نمای ابعاد مثبت صلح زوم نمود تا از ایجاد ترک های کوچک بی اعتمادی کاسته شود.